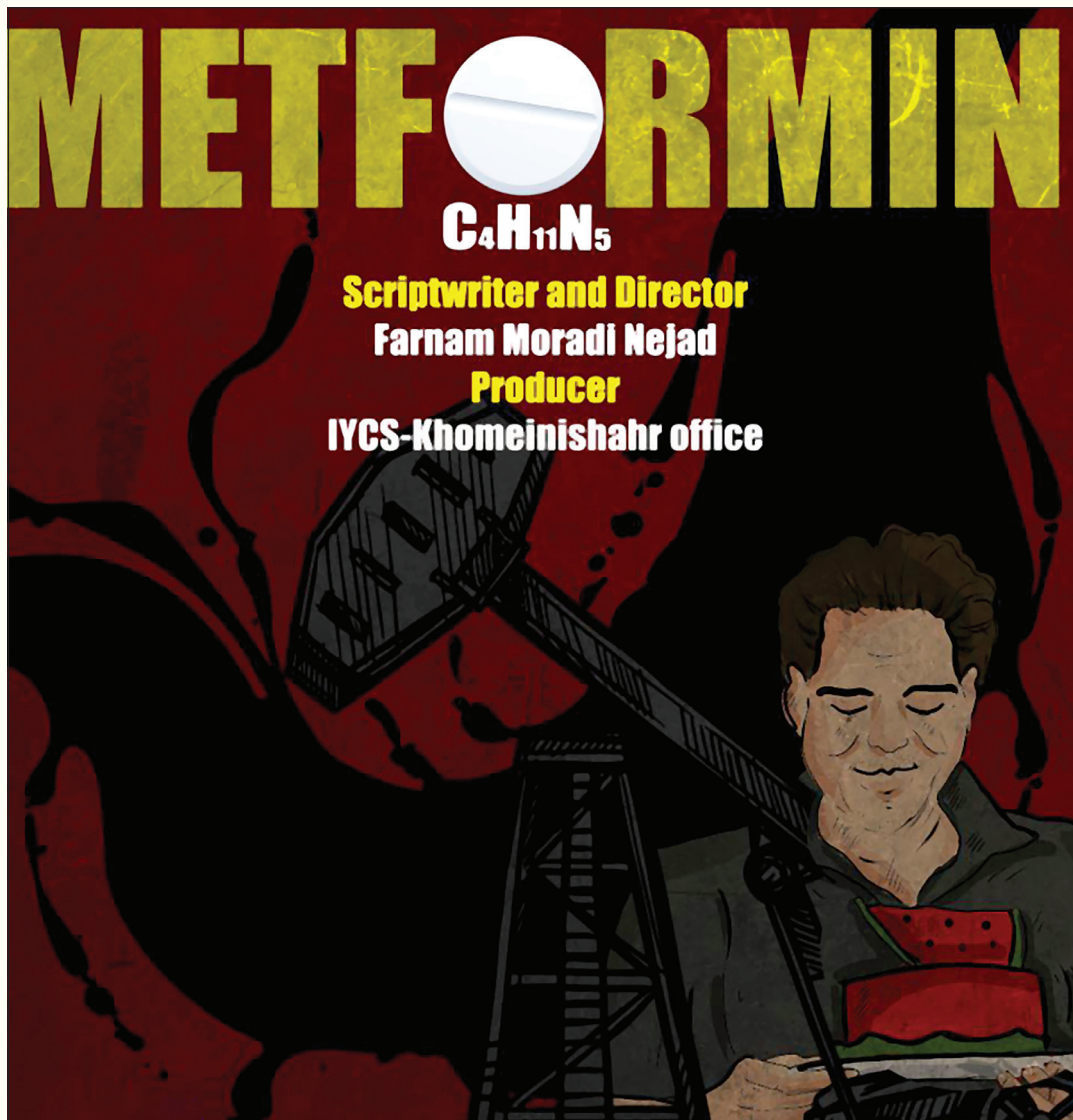


گفت و گوی صبا با فرنام مرادی نژاد کارگردان فیلم کوتاه متفورمین:

هیبریدی در خدمت معنا و تجربه



مریم عظیمی - چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران که با استقبال مخاطبان حتی سالن های بیشتری را هم به آثار راه یافته تخصیص داده در بخش تجربی فیلم متفورمین را در لیست دارد. خبرنگار صبا گفت و گویی با این کارگردان تجربی داشته که در ادامه می خوانید.

در ابتدا از ورودتان به دنیای فیلم کوتاه بگویید.

تحصیلات اولین دریچه ورود من بود. من کارشناسی ارشد سینما را از پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران دریافت کردم و بعد هم دکترای پژوهش هنر شاخه هنرهای دراماتیک و نمایشی، قبل از دانشگاه هم دوره های آزاد بود، دوره های کارگردانی و مدتی حدود ۲۰ سال پیش درگیر برنامه ریزی و دستیار کارگردانی و برنامه ریزی و نوشتن فیلمنامه بودم.

در مورد اسم فیلم و ارتباطش با خود اثر بگویید.

متفورمین از معروف ترین داروهای ضد بیماری قند و دارویی است که معمولاً شباهنگام خورده می شود و صبح تاثیراتش را روی قند خون بیمار می گذارد. از آنجایی که خودم درگیر این بیماری بودم این داستان از جهان زیسته خودم می آمد و همینطور اطرافیان زیادی را دیدم که درگیر دیابت بودند این دستمایه اولیه و خط پیرنگ داستان بود، تلاقی این بیماری شخصی و جهان پشت صحنه سینما اینکه چگونه بسیاری از ما با یک تجربه مشترک از دستکاری شروع کردیم و بسیاری از شبها را به تنهایی در دفترهای سینمایی به صبح رساندیم. تلاقی این دو خط با هم شد بن مایه اصلی متفورمین به علاوه بخش خیالی و افزوده ای که اتوماتیزم ذهنی خود نویسنده است.

چه سبک های سینمایی در این اثر مشهود است و چه تکنیک هایی فیلمبرداری خاصی استفاده شده؟

این فیلم مانند هر فیلم اکسپریمنتال دیگری وامدار تاریخ سینماست. یعنی فیلم بسیار خودآگاه است به یک معنا و ارجاعات فراوان درون متنی دارد. شما در ابتدای فیلم خلاصه ای دارید از آینده فیلم و یک فلش فوروارد دارید در بخش پیش درآمد فیلم که از اشکال تاریخ سینمایی مانند مثلث ها، مربع ها و آپریس شات ها یا نمای مدشات و نقابی که مربوط به فاز اولیه و جنینی سینمای جهان هستند بسیار استفاده کرده است.

این بخش کاملاً ارجاعیست، حتی اشاره داریم به یک نوار قدیمی از استودیو بلک ماری ای ادیسون، این فیلم به شدت در پیوند و ارجاع با خود سینما و مدیوم سینماست، کما اینکه در خود داستان هم شما تجهیزات سینمایی و عوامل سینمایی را می بینید و حرکتی دارید از پشت صحنه تا به این نهایت که این ها حذف می شوند و ما می مانیم و آنتاگونیستمان یا همان قهرمان و کاراکتر اصلی فیلم. ارجاعات فراوانی وجود داشته به سینمای ناب دهه ۲۰ به افرادی مانند هانس ریشر و والتر روتمان، همینطور به سینمای انتزاعی و تجربی که بیشتر با اشکال هندسی کار می کرد. در فیلمبرداری این اثر از دوربین بلک مجیک استفاده شد با رزولوشن 6k و در بسیاری از جاها آن تصاویر اولیه را به میزانی بردیم به سمت سوپر انگل واید و نزدیک شدیم به فیش آی کردن تصویر در نماهای معرف اولیه تا مقداری آنها را از ریخت بیندازیم و آشنایی زدایی کنیم.

تدوین این اثر در بسیاری از جاها بر یک تدوین لحظه گرا و امپرسیونیستی مبتنی است، چون مدرس سینما هستم مدام نگاهم به تاریخ سینما بود و این ارجاعات را داشتم و حال در یک داستان بومی از تلفیقشان استفاده میکنیم که اگر بخواهیم فرمش را بگوییم هیبریداسیون است یعنی یک فرم ترکیبی، مثلاً ما نریشن و نقل قول را از سینمای مستند داریم، خود شاخص های سینمایی تجربی که ارجاع بسیار به رسانه سینما دوربین نور و عوامل سینماست داریم، جایی نقشه کشور را داریم که می چرخد از اصفهان و می رویم به تهران که نظیر آن را در سریال های مشهوری مثل گیم آف ترونز دیده ایم و در واقع فیلم تلفیقی است، یک فیلم چندسازه از سینمای داستانی تجربی مستند و بخش انیمیشنش هم که آن کابوس شخصیت است که در حقیقت می بینیم چگونه آینده خودش را در کابوس خودش می بیند اینکه

چگونه آتش می گیرد و ...

آزادی عملی که کار کردن در بخش تجربی به کارگردان ها می دهد چه چالشی به دنبال دارد؟

بزرگترین چالش آن این بخش است که می ترسیم از اینکه فیلم فهمیده نشود. یعنی شما بر اساس انگاره های روایی سینمای کلاسیک کار نمی کنید و انتخاب کرده اید که در سمت آزادی عمل و به قول فیلمنامه نویس ها آن سمت راست پایین مثلث رابرت مکی را انتخاب کرده اید، حوزه ضد پیرنگی و ضدروایی را. هرچند که همه فیلم های تجربی ضد پیرنگ و روایت نیستند بلکه تلاش می کنند تا دیگر گونه روایت را تغییر بدهند به نفع خودشان که خب متفورمین هم از این دست است، یعنی خیلی هم ضد روایی نیست به آن معنا. چالش من این بود که چقدر می توانم رادیکال باشم و در نهایت چقدر می توانم صرفاً به ادراک حسی تماشاگر و مخاطب متکی باشم و چیز زیادی برای فهم و شناختش در خط روایی نگذارم این لحظه بسیار هراسناکی در ساخت یک فیلم تجربی است. مثلاً در متفورمین در ابتدا می خواستم که اصلاً نریشن نگذارم و بعد دیدم واقعاً تماشاگر نیاز دارد به یک ایستگاه هایی تا توقیفی داشته باشد چرا که همینطور دیتای تصویری بر سرش آوار می شود و این می تواند در بحث ارتباط با فیلم مخاطراتی داشته باشد و با اینکه نریشن ها را گذاشتم برخی اشاره کردند که در بخش های دیگر ما نیاز داشتیم به ایستگاه های بیشتری چرا که در ۱۴ دقیقه با بمبارانی از دیتای تصویر روبرو هستیم.

تیم تولید کار چند نفره بودند؟

تیم تولید واقعاً آمیزه ای بود از بچه های حرفه ای، بچه های دانشگاه سپهر اصفهان که من مدیر گروه کارشناسی ارشد سینمای شان هستم و بچه های انجمن سینمای جوان. واقعاً ممنونم از این سوال چرا که در این روزگاری که کمتر بچه ها با هم وفاق می یابند و فضاهای چند قطبی بین شان می بینیم تلاش من این بود که در هفته پژوهش این

دوستان را دور هم جمع کنم. یک طیف کار کاملاً دانشجویی است بچه های لیسانس و ارشد دانشگاه سپهر اصفهان و بخشی هم بچه های انجمن سینمای جوان خمینی شهر و نجف آباد و از این بابت بسیار جالب بود. حتی تیتراژ ما هم هیبریدی بود، بازگردان هم محسن رحمانی است که نمایشنامه نویس جایزه گرفته رفت فوق لیسانس سینما دانشگاه تهران است و همینطور هادی مهدوی که مدرس دانشگاه تهران است یعنی می خواهم بگویم آمیزه ای داشتیم از بچه های حرفه ای مثلاً میلاد داوری فیلمبردار، علی ابراهیمی از بچه های حرفه ای برنامه ریزی و دستکاری و گروهی ۱۲ نفره و تلفیقی از بچه های جوان و حرفه ای تر بودیم.

در مورد تهیه کنندگی اثر بگویید و اینکه مبلغ دریافتی برای کار شما کفایت می کرد؟

تهیه کنندگی این اثر بر عهده انجمن سینمای خمینی شهر بود در مورد متفورمین چون دفتر کار ما تهران است کارهای ویزوال و دیگر بخش های هزینه برش را به صورت شخصی انجام دادیم و اگر هزینه های اصلی را برآورد کنیم ممکن است که نه کافی نبوده باشد. اما من حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون هزینه کردم برای فیلم که انجمن سینمای جوان برگشت داد و این اثر را جزو تولیداتی حساب کرد که مالکیت ۱۰۰٪ آن را داشته باشد در تولید متفورمین بر اساس اینکه بسیاری از عوامل معرفتی و به عنوان دوستانه برای همکاری با استادشان آمدند شاید حتی بتوانیم بگوییم که ما برد مالی هم کرده ایم اما الزاماً در مورد هر فیلمی اینگونه نیست.

سخن پایانی

همه مادر این بخش مخصوصاً بچه های دانشگاهی بسیار مدیون یک فرد هستیم. دکتر احمدالستی فردی است که سینمای تجربی و هر آنچه که در این زمینه آموخته ایم مدیون او هستیم.